

آنچه خودداشت ز بیگانه تمنا میکرد

امیرفیض - حقوقدان

انسان هائی هستند که نمیدانند چه دارند و چه ندارند ولی عادت به گدائی و طلب از دیگران دارند. انسان هائی هستند که به عادت معهود هنر و تازه ای راطلب میکنند بدون آنکه دقیقا بدانند که ان مطلوب چیست. دراین میان انسان هائی هم هستند که نمیدانند آنچه را که گدائی میکنند خود به حدکافی لازم داشته اند و سالها از منافع آن مستفیض بوده اند، معهذا به اعتباراین عدم آگاهی، خودشان رادرصف گدایان جامیدهند وخواستار حکومت سکولارمیشوند وباصطلاح آنچه خود داشت زیگانه تمنامیکرد.

موضوع این تحریرمتوجه این مقصود است که ما ایرانیان ازبدو مشروطیت بویژه ایام سلطنت پهلوی ها حکومت سکولار درحد کامل آن داشته ایم وحدود ۷۰ سال حکومت سکولار واجتماع سکولارترسیم کننده تصمیمات قانونی وحرکت های اجتماعی ما بوده است وشورش ۵۷ تداوم حاکمیت سکولار رادرجامعه ایرانی ما منقطع وحکومت اسلامی یعنی حکومتی که نقطه مقابل حکومت سکولار است به جامعه تحمیل کرده است. بنابراین به اعتباراینکه ما ایرانیان حکومت واجتماع سکولار رادشته ایم وتمام عمرمشروطیت وبالاخص زمان سلطنت شاهان پهلوی بدون هرگونه مخالفت روال سکولاریم حکومتی واجتماعی ادامه داشته ونظربه اینکه گذشت زمان ۷۰ سال وروال طبیعی وقانونی سکولاریسم درایران بصورت یک حق بنیادی درآمده وبه اعتبارهمان حکومت سکولار واجتماع سکولار، تارویود اجتماعی ما وروابط حقوقی داخلی وخارجی کشورما ساخته وتنیده گردیده لذا خواست حقوقی وحکمت آمیزما میتواند بازگشت به دوران سکولاریسم باشد نه حکومت سکولار، چیزی را که ماداشته ایم وازما بزور گرفته اند باید استرداد آنراخواست نه چیزی که معنا ومفهوم آن برای مردم کشورما جهل درجهل است وتفسیرآن به بی دینی «اقل ورود به جهل است».

دراین تحریر باتفاق نگاهی خواهیم داشت به دوران سکولار ایران وسیر آن ولی ابتدا اجازه فرمائید چون درقسمت بالا صحبت از حکومت سکولار واجتماع سکولارشد توضیحی نسبت به آن هاداده شود

سکولاریسم

آنطورکه سکولاریسم راتعرف میکنند جدائی دین از حکومت است، مفهوم اجرایی این تعریف این است که حکومت در اتخاذ تصمیم درقید وپند دین ومذهب قرارندارد وبه تناسب نیاز، وضع قانون واتخاذ تصمیم میکند آنطور که مبلغین این نوع حکومت سکولار ادعایکنند حکومت دین ومذهب بقدرت وموقعیت خود درجامعه آزاد میباشد همانطور که حقوق بشرآنرا مقرر کرده است.

اشتباه بزرگ آنان دردومرحله است مرحله اول اینکه حکومت از جامعه جدانیست وبکلای دیگر جامعه است که حکومت رابوجود میآورد بنابراین دریک جامعه دینی فرض وجود یک حکومت سکولاریسیار ضعیف واحتمالا موقتی وبرخلاف حاکمیت مردم است این برداشت متقابل هم هست یعنی دریک جامعه سکولار نمیتوان یک حکومت دینی پایدار بوجود آورد البته به زور میتوان ولی صحبت از دمکراسی و حقوق بشر وحق رای اکثریت هم هست.

مرحله دوم اشتباه نوع وکیفیت سکولار جامعه است برخی جوامع دینی مانند مسیحیت اصولا برپایه دینی مستقرنیست وذاتا سکولار ویا آماده استقبال از سکولاراست ولی نطفه جوامع اسلامی برسکولار بودن جامعه یعنی مقید به رعایت

اصول اسلام ریخته شده است لذا نمیتوان همان برداشتی را که جوامع غیراسلامی از حکومت سکولار دارند برای جوامع اسلامی پیاده کرد.

تعریف جامع سکولار بهرتحولی اطلاق میشود که آزاد بوده و بادین و مذهب فاصله داشته باشد در تطبیق مورد حکومت سکولار همان است که در بالاتر تعریف شد در جامعه شناسی هم «جامعه سیاسی آن جامعه ای است که در زندگی، قیودات مذهبی نداشته باشد» اگر بتوان در جوامع غیراسلامی قیودات مذهبی را رعایت نکرد در جوامع اسلامی این حق وجود ندارد و عدم رعایت قیودات اسلامی ممکن نیست و حالت خروج از اسلام را منظور میسازد به همین دلیل است که سکولار در جوامع اسلامی به «بی دینی» تفسیر شده است، و این تفسیر از نظر حقوق اسلامی درست است و در نهایت جامعه ای که بر اساس نیاز و عقل و رای مردم بدون توجه به قوانین دینی و مذهبی اداره شود از نظر حقوق مدرن جامعه سکولار و از نظر حقوق اسلامی جامعه بی دین خوانده میشود.

حکومت سکولار و جامعه سکولار

عرض شد که ما در سالهای مشروطیت بخصوص دوران شاهان پهلوی هم حکومت کشورمان سکولار بود و هم جامعه ما سکولار بود، با آنکه دین و مذهب ایرانیان در قانون اساسی رسمیت یافته بود و با آنکه اصل دوم متمم قید سنگینی برای تطبیق قوانین مصوبه مجلس با قوانین اسلامی مقرر کرده بود از همان دوره دوم مشروطیت ماده دوم از اجراء خارج شد یعنی مجلس آزادانه و بدون الزام به رعایت قوانین اسلامی وضع قانون میکرد و حکومت هم همان قانون منزه از محدودیت های اسلامی را اجرا می نمود یعنی حکومت سکولار بود تمام قوانین جزائی، مدنی، قضائی و حقوق اساسی فارغ از محدودیت های اسلامی و در عرض قوانین اروپائی وضع و جاری بود تمام قوانین منطبق قانون مدنی مانند قانون ازدواج و طلاق، شناسنامه، قانون معادن در اسلام تشیع معادن طبقه اول مانند نفت فلزات متعلق به شخص حاکم است یعنی ملک خاص امام و جانشین امام است.

قانون مالیات، قانون سربازی، قانون اوزان و مهمترین آنها قانون بیع شرط، قانون حجر، قانون وقف، آموزش و پرورش و امثال آنها کاملاً فارغ از قیودات اسلامی و منطبق با قوانین مدرن اروپائی بود.

قوه قضائیه کشور با آنکه در اصل ۷۱ و ۸۳ حقوقی خاص برای مذهب و سران آن قائل شده است معهذ این دواصل از همان دوره دوم و سوم مشروطیت بلا اجرا ماند و آنین دادرسی مدرن جایگزین قضاوت آخوندی و شرعی شد و قانون مجازات عمومی مترقی بجای قانون قصاص و سنگسار دست و پا بردن و چشم در آورن جریان یافت همین تحول بود که ایران توانست از کاپیتولاسیون رها شود چرا که بعثت حاکمیت حقوق اسلامی در محاکم ایران کاپیتولاسیون به کشور ما تحمیل گردید.

حقوق اساسی کشور ما در تداوم اجرائی دقیقاً در راستائی قرار گرفت که سازمان ملل متحد تطبیق تداوم اجرائی قانون اساسی را در کشور ما منطبق با اعلامیه جهانی حقوق بشر دانست و ایران به اعتبار همان سکولاریسم حکومتی و تداوم اجرائی قانون اساسی عضویت سازمان ملل متحد را یافت.

جامعه سکولار ایران

جامعه سکولار مطلق یعنی جامعه ای که مردمش بدون استثناء بی التفات به دین باشند وجود ندارد و همانطور که هیچ چیز مطلق وجود ندارد، سکولاریسم در جوامع انسانی حالت نسبیست دارد و جامعه سکولار، جامعه ای را گویند که قیودات مذهبی و دینی مانع تحولات و تصمیم گیریها و پیشرفتهای آنها نشود و جامعه بر اساس عقل و نیاز جامعه حرکت داشته باشد.

به آسانی میتوان خود پرسید که آیا قبل از حاکمیت غاصبانه جمهوری اسلامی جامعه ما سکولار بود یا خیر تحولات و حرکت های اجتماعی کشور ما دینی و مذهبی بود یا بنابر نیاز مردم و منطبق با حرکت ها و تحولات کشورهای دیگر؟

یک نگاه صادقانه و منصفانه این است که حرکت اجتماع مابسوی سکولاریسم نه به قوه قانون بود و نه تحمیل سیر پیشرفتهای آموزش و فرهنگ، پیشرفتهای اقتصادی، ارتباطات جهانی باکشورهای متری و بیشتر از همه علاقه پادشاهان پهلوی به پیشرفت ایران بطور طبیعی رقبت و میل به سکولاریسم را بوجود آورده بود اسلام دین ایرانیان شناخته میشد و در قانون اساسی هم ایرانیان به همین دین معرفی میشدند ولی رسمیت آن محدود به فرد بود نه اجتماع و بهمین دلیل است که محققین عقیده دارند که ایرانیان در زمان شاه هم دینشان را داشتند و هم دنیا را.

غرض از تنظیم این لایحه توجه به این موضوع مهم است که مابرای حرکت نیاز به قبول و استقبال مردم داریم نمیتوان بارانه مفاهیمی مشکوک نا آشنا و به دور و مخالف با باورهای مردم در حرکت های سیاسی و اجتماعی موفق شد، مردم ما دوران قبل از جمهوری اسلامی رادیده و یابید دارند هیچ نامی هم از سکولاریسم در آن زمان نشنیده بودند که ماتصورکنیم که وقتی میگوئیم سکولار توجه مردم به ایام قبل از جمهوری اسلامی جلب شود بلکه بطور مسلم باغریبه ای که رنگ و آمیزی ترسناکی هم به آن شده روبرو میگردند.

خواست و هدف مبارزه ما ایرانیان ترقیخواه و ناسیونالیست بازگشت به حقوق ناشیه از تداوم اجرائی قانون اساسی مشروطیت و متمم آن و استراتژی آن برداشتن و منهدم ساختن هرمانعی که در راه رسیدن به هدف والای ما وجود دارد است نه ایجاد دکان های مشکوک باکالاهای نامفهوم و اصرارهای نامعقول و ادعاهای موهوم و این است حقیقت معنی بر صورت دعوائی که ادعا کردی و در عمل در گل بماندی